

## داستانهایی از اذکار و ختوم و ادعیه مجرب

نویسنده: احمد میرخلف زاده

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین عليهم السلام  
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده  
است

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبه لاهل التقوى واليقين ، الصلوه والسلام على  
اءشرف الانبياء والمرسلين ، حبيب اله العالمين ابى القاسم محمد ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ  
وآلِهِ وَسَلَّمَ ، المعصومين ، الذين اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا ، سيما حجه بن  
الحسن العسكري روى و ارواح العالمين له الفداء .

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ  
وآلِهِ وَسَلَّمَ :

لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الدُّعَا

هیچ چیز نزد خدا گرامی تر از دعا نیست .

دعا : آرامش روح می آورد ، روح و جسم را تزکیه و پاک می نماید ، روح  
واراده را تقویت می کند ، مشکلات و موانع را بر طرف می نماید ، شفای  
امراض صعب العلاج است ، رفع بلا و عذاب و نقت و بد بختیها نموده و  
درهای رحمت و برکات حق را باز و مفتوح می نماید .

دعا : افضل ترین عبادت است و انسان را به تکامل می رساند و ضعفها را  
جبران می کند ، آثار بسیار مؤثر و مهم دارد و دلهای مرده و مترنزل انسانها را  
آرامش می دهد و یکی از بهترین عوامل اطمینان قلب و آرامش خاطر است .

دعا: روح را طاهر و تزکیه و پاکیزه می نماید ، صفای باطن می آورد ، چون بهترین عبادتهاست و عامل خود سازی است . انسان ، قبل از دعا قلبی آکنده از اضطراب و دلی پر از اندوه و زبانی حاکی از آه و ناله دارد ، ولی وقتی رو بخدا می کند و نیازهایش را به درگاه حق مطرح می نماید ، قلبی مطمئن تر از همیشه برای زندگی می یابد .

انسان ، بعد از دعا ، حالت عرفانی و روح سخنوری با خدا را می یابد ، چون ارتباط با خالق ، قلب را هدف دار می نماید و از گناهان دور می کند و به همین خاطر است که آثار تقوی در صورت داعیان حق جلوه گزین است .

دعا : بهترین عبادتی است که پیش از هر چیز انسان را به خدا نزدیک می کند و چون افضل است ، اثر معنوی بیشتری دارد .

حضرت صادق آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می فرماید :

بر شما باد به دعا کردن ، براستی هیچ عبادتی مثل دعا انسان را به خدا نزدیک تر نمی کند . ه

## دعا و نیایش با پرورگار :

به روح انسان عظمت می دهد ، قدرتش را افزون تر و ارادتش را قویت می نماید .

او پهلوان نیرومند و پرقدرتی است که پنجه در پنجه مشکلات افکنده و کُنده زانوی آن را بخاک می مالد و از مقابل خود بر می دارد .

دعا : شفای درد دردمندان والیتام بخش زخم‌داران ماء‌یوس از زندگیست ، علاج دردهای ناعلاج است ، دارو و درمان و شفای دل ماء‌یوس است ، داروی شفا بخش دل نالان و امید دل ناامیدان است و داروی بزرگ عمومی برای شفای تمامی دردهاست که آن حضرت فرمودند :

بر تو باد که دعا کنی براستی که آن شفای هر درد است .

دعا : بلاهای آسمانی و عذابهای زمینی را بر میدارد و بقول حضرت سجادیه علیها السلام که می فرماید :

دعابلای نازل شده و نازل نشده را دفع می کند .

شکنجه و عذاب به توسط نیایش و دعا بر طرف می شود و در اثر رگبار دعاهای مخلصانه در رحمت بسوی خلق مفتوح و زندگی انسانها مملو از نعمات و برکات الهی می گردد .

بر اثر دعا چه کمبودها و ناداری ها و فقر و ضعفهای مادی و معنوی بر طرف می شود و چه رحمت و برکاتِ واسعه ای بجای آنها قرار می گیرند .

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام میفرماید: هیچوقت نعمتی از ملتی سلب نمی شود، مگر بخاطر گناهانشان. پس ای مردم نعمت خدا را به طاعت و عبادت و پیروی او حفظ کنید. زیرا دعا سبب گشایش باب رحمت و چراغ قلوب زاهدان و آثار شوق عابدان است.

خلاصه انسان معاصر باید حجابهای ظلمت و کدورت را بوسیله دعا بر طرف کند و زمزمه های سوزناک وجودش را به وسیله نیایش فرا خوانده و حل نماید. کتاب حاضر داستانهایی از (آثار دعا) ختوم و اذکار و ادعیه های مجرب است که اندک تلاش در باب دعاها و ذکرها است، تا مردم دینی و ولایی ما قوت ایمانشان با مطالعه حالات بعضی از دردمندان و گرفتاران و حاجتمندانی که به وسیله دعا و نیایش درمان و شفا یافته اند، استوارتر و محکمتر و زیادتر گردد و از فیض عظمای آن بهرمنند گردند. انشاءالله در جلد دوم این کتاب بنام درمان و شفا با دعا که دعاها و ختوم و اذکار مؤثر را در آنجا بطور مفصل و کامل و موضوعی بیان نموده ایم و علاقه مندان می توانند به این کتاب مراجعه نمایند. و از آن بهره مند گردند. این مختصر را جهت شادی قلب امام زمان (عج الله تعالی فرجه شریف) و رفع موانع ظهور آن حضرت و شادی روح امام عزیز و تمام شهدا، علی الخصوص بردار شهیدم آشیخ احمد میرخلف زاده هدیه می نمایم تا شاید مورد دعای حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه شریف قرار گیریم. و به واسطه آن حضرت گرفتاری های مردم برطرف گردد، انشاءالله. التماس دعا

1378/8/21 سوم شعبان 1420 سالروز تولد سالار شهیدان حضرت اباعبد

اللّٰه الحسین علیہ السلام

کلب آستان حسین علیہ السلام علی میرخلف زاده

## شیرینی عسل

یک روز آقا رئیس اسلام ، خاتم الانبیاء ، محمد مصطفی ﷺ ، با آقا امیرالمؤمنین علی ؑ ، در میان نخلستانها نشسته بودند . که یک وقت سر و کله زنبورِ عسلی ظاهر شد ، و شروع کرد ، دور پیغمبر اکرم ﷺ چرخیدن .

پیغمبر ﷺ فرمود :

یا علی ! می دانی این زنبور چه می گوید .  
حضرت علی ؑ فرمود : خیر .

آقا رسول اکرم ﷺ فرمودند :

این زنبور امروز ما را مهمانی کرده و می گوید : یک مقدار عسل در فلان محل گذاشته ام ، آقا امیرالمؤمنین ؑ را بفرستید ، تا آن را از آن محل بیاورد . آقا امیرالمؤمنین علی ؑ بلند شدند و آن عسل را از آن محل آوردند .

حضرت رسول خدا ﷺ فرمود :

ای زنبور ، غذای شما که از شکوفه گل تلخ است . به چه علتی آن شکوفه به عسل شیرین تبدیل می شود ؟

زنبور گفت : یا رسول الله ، شیرینی این عسل ، از برکت ذکر وجود مقدّس  
شما ، و (آل) شماست ، چون هر وقت ، مقداری از شکوفه استفاده می کنیم ،  
همان لحظه به ما الهام می شود که سه بار بر شما صلوات بفرستیم .  
وقتی که می گوئیم : اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ به برکت صلوات بر  
شما ، عسل ما شیرین می شود .<sup>(1)</sup>

## غذای مسموم در آنها اثر نکرد

وقتی که رسول خدا ﷺ وارد مدینه منوره شدند و پرچم اسلام را بلند کردند ، شخصی به نام عبدالله اُبی که یکی از دشمنان سرسخت پیامبر اسلام بود بر آن حضرت حسد بُرد و می خواست حضرت را به قتل برساند . عبدالله ، حضرت و اصحاب حضرت را به منزلش دعوت کرد و غذای مسمومی را ترتیب داد .

جبرئیل به رسول خدا ﷺ خبر داد .

همینکه غذا حاضر شد رسول خدا ﷺ فرمودند :

یا علی دعای یُرمفعت را بر این غذا بخوان .

علی ؑ دعا را خواندند .

بِسْمِ اللَّهِ الشَّافِي ، بِسْمِ اللَّهِ الْكَافِي ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ ءَ وَلَا دَاءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

وقتی دعا خوانده شد همه غذا را خوردند و سیر شدند و ضرری به آنها

نرسید با صحت و سلامتی برخاستند و رفتند .

وقتی که عبدالله اُبی این صحنه را دید ، گمان کرد آشپز فراموش کرده سم را

داخل غذا کرده باشد ، رفت و تمام رفقایش را جمع کرد و از غذا خوردند همه

به جهنم رسیدند<sup>(2)</sup> .

## گفتگوی دو شیطان در باره بسم الله

یک روز شیطان چاقی ، شیطان لاغری را ملاقات کرد .

شیطان چاق ، از شیطان لاغر پرسید :

چرا تو اینقدر لاغر و ضعیف شده ای ؟

شیطان لاغر ، جواب داد :

من بر شخصی مسلط و مأمور شده ام که او را گمراه کنم . ولی آن شخص در اول هر کار ، مانند : خوردن ، آشامیدن ، . . . ، زبانش به ذکر بسم الله الرحمن الرحیم گویا است ، از این رو از نفوذ در او ، و شرکت در کارهای او محروم هستم . و همین سبب و موجب لاغری من شده است ، حال تو بگو بدانم ، چطور چاق شده ای ؟

شیطان چاق پاسخ داد :

چاقی من به خاطر آن است که شاد هستم ، زیرا بر شخص غافل و بی خبر و بی تفاوت مسلط شده ام که در هیچ کاری بسم الله نمی گوید ، مثلاً هنگام ورود و خروج و هنگام خوردن و نوشیدن . . . و در هر کاری ، آنچنان غافل و سرگرم است که اصلاً به یاد خدا نیست .<sup>(3)</sup>

پس ای مؤمنین در اول هر کاری بسم الله الرحمن الرحیم یادتان نرود زیرا با گفتن بسم الله شیطان از شما دور میشود .

## شفای امراض

مردی از دوستان و مُحَبِّین و ارادتمندان آقا حضرت امام صادق آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به محضر مقدّس و مبارک آن حضرت شرف یاب شد، در حالیکه مریض و دردمند بود، و از مرضش رنج می برد .

آقا حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود :

چی شده ، چرا رنگت پریده ؟

گفت : آقا جان ، فدایت شوم ، یک ماه است که سخت مریض و بیمار و دردمند و ناراحتم و تب از من دور نمی شود و مرا رها نمی کند .  
هرچه پیش دکتر و طبیب و یزشک رفتم ، و آنچه را که دستور دادند ، و نسخه نوشتند و ویزیت دادند ، پیچیده ام و انجام داده ام ، ولی نتیجه ندیده ام ، بهره و سود و خوبی و فایده ای نداشته .

آقا چون دستم به دامنتم ، کمکم کن ، ما بیچاره ها کسی را جز شما نداریم .

یک دعایی یا ثنایی یا دوایی به ما عنایت کنید تا خوب شوم .

آقا حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فرمود :

یقه پیراهنت را باز کن و سرت را در آن فرو کن و بعد از اذان و اقامه هفت بار سوره حمد را بخوان و به خودت فوت کن ، انشاء الله خوب می شوی .

آن مرد می گوید: همینکه دستور فرزند زهرا ع را انجام دادم، گویا آب روی آتش بود، مثل اینکه مرا به طناب بسته باشند و بعد باز کرده باشند و رهایم کنند، همینطور من هم از درد و ناراحتی و رنج آزاد شدم. <sup>(4)</sup>

## داروی ناتوانی در دنیا و آخرت

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند :

یک روز شبیه هذلی محضر مقدس (حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) مشرف شد و گفت :

یا رسول الله ، من پیر شده ام و قوه بدنیم مرا به یک سری اعمالی از قبیل نماز و روزه و حج و جهاد . . . که قبلاً بر آن مداومت داشتم و انجام می دادم ، یاری نمی دهد و الان هم توانایی بر آن اعمال را ندارم ، از شما خواهش می کنم که عملی سبک و حدیثی پر بار و آسان به من بیاموزید که بتوانم آن را انجام دهم و خداوند متعال هم مرا از منبع فیض خودش بهر مند سازد .

حضرت فرمود : ای مرد ، خواسته خود را تکرار کن ؟

هذلی خواسته خود را سه مرتبه اعاده نمود .

حضرت فرمود :

هیچ درخت و کلوخی در اطراف تو نماند ، مگر از ترحم بر خواسته تو گریست .

پس هر وقت از نماز صبح فارغ شدی ده مرتبه بگو :

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

خداوند متعالی بواسطه این دعا تو را عافیت می دهد و به برکت این ختم تو را از کوری و دیوانگی و خوره و پیسی و پریشانی و کند ذهنی و خرفتی نجات می دهد .

شبیبه هذلی گفت :

یا رسول الله ؛ این ذکری را که فرمودید؛ برای دنیای من بود ، لطفاً برای آخرتم هم نسخه ای بفرمائید تا از آن هم بهرمنمم گردم .

حضرت رسول اکرم ﷺ فرمود :

بعد از هر نماز بگو :

اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ .

اگر بر این ادعیه مواظبت کردی و عمداً آن را تادم مرگ ترک نکردی ، وقتی که قیامت شود و به صحرای محشر وارد شوی ، هشت در بهشت برای تو باز می شود ، و از هر دری که خواستی می توانی داخل شوی .<sup>(5)</sup>

## داروی بیماری و تنگ دستی

مردی محضر مقدس حضرت رسول الله ﷺ مشرف شد و از بیماری و تنگدستی خودش به آن حضرت شکایت کرد .

آن حضرت به او فرمودند : بعد از نمازهای واجبت بگو :

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا  
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا

من به این ختم عمل کردم ، هیچ شدت و سختی به طرف من نیامد مگر اینکه جبرئیل برای من متمثل می شد و می فرمود : این دعا را بخوان و من می خواندم و آن شدائد از من بر طرف می شد .<sup>(6)</sup>

## مونس

مردی خدمت با سعادت آقا (حضرت امام جعفر صادق علیه السلام)

شرفیاب شد و گفت :

ای مولای من ، سَنَمَّ بِالَا رَفْتَه و خویشانمُ مرده اند و مونسى ندارم و مى  
ترسم که من هم بمیرم چه کنم ؟

حضرت فرمودند :

برادران مؤ من و صالح برای انس گرفتن بهتر هستند از قوم و خویشان . اگر  
طول عمر خود و خویشان و دوستان را مى خواهی این دعا را بعد از هر نمازی  
بخوان :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدَّقَ  
صَلَّوَأَتَكَ عَلَيْهِ وَ إِلَهٍ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدْتُ فِي قَبْضِ  
رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَكْرَهُ مَسَائِلَهُ ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ  
مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ وَ لَا تَسْؤُنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي أَحَدٍ  
مِنْ أَحِبَّتِي .

و اگر خواستی یکی از دوستان خود را نام ببر و بگو :

وَلَا فِي فُلَانٍ وَ لَا فِي فُلَانٍ .

راوی گفت : چون بر این دعا مداومت کردم ، اینقدر عمرم زیاد شد که از

زندگی ملول شدم .

این دعا بقدری معتبر است که در تمام کتب دعا نقل شده . (7)



## کار بسته شده

مردی خدمت با سعادت آقا حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شرف یاب شد و از مشکلات کاری به آقا شکایت کرد که : آقا جان کار من بسته شده و به هر کاری که متوجه می شوم و دست میزنم ، سودی نمی کنم و به هر حاجتی رو می آورم آن حاجتم روا نمی شود ، چه کنم ؟ !

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند :

بعد از نماز صبح ده مرتبه بگو :

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اسْتَلُّهُ مِنْ فَضْلِهِ

راوی گفت : چند صباحی بر این دعا مداومت کردم ، جمعی از هم محلی هایم نزد من آمدند و گفتند :

مردی از اقوام شما مرده و غیر از تو وارث دیگری ندارد .<sup>(8)</sup>

خلاصه : به مال زیادی رسیدم و تا بحال بی نیاز هستم .

## دعای خیر دنیا و آخرت

مردی بنام هلقام محضر مقدس حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مشرف شده و عرضکرد: یا بن رسول الله، دعایی به من یاد بدهید که برای دنیا و آخرتم جامع و آسان باشد.

حضرت به آن مرد فرمود:  
هر کسی بعد از نماز صبح، تا وقت طلوع آفتاب این دعا را مداومت کند، خیر دنیا و آخرت به او خواهد رسید.

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اسْتَلُّهُ مِنْ فَضْلِهِ  
آن مرد گفت: از آن روزی که این ختم را شروع کردم و  
مداومت بر آن نمودم، حالم خوب شد و از زندگیم لذت بردم و  
گرفتار چیزی نشدم مگر به برکت این ذکر احوالاتم نکو گشت.<sup>(9)</sup>

## پریشانی و مریضی

مردی به حضرت رسول الله ﷺ از تنگدستی و پریشانی و بیماری خود شکایت کرد .

حضرت رسول ﷺ فرمود :

هر کس هر صبح و شب ، ده مرتبه این دعا را بخواند و بر آن مداومت داشته باشد ، تنگدستی و پریشانی و مریضی او بر طرف خواهد شد .

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَكَلْدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَّلِيٌّ مِّنَ  
الدُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا .

آن مرد می گوید : من سه روز بر این ختم مداومت کردم ، حالم صحیح و سالم شد و ثروتمند شدم و پریشانیم رفع گردید .<sup>(10)</sup>

## داروی علیلی

مردی به محضر مقدس حضرت صادق آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرفیاب شد و از  
مریضی همسرش به حضرت شکایت کرد و گفت :  
آقا جان ، قربانت گردم ، اُمّ وُلْدی دارم که علیل است ،  
هر چه دکتر و طبیب گفته انجام داده ام ولی علت او خوب نشده چه کنم ؟ !  
حضرت به آن مرد فرمود :  
بعد از هر نماز واجب در سجده شکر این ذکر را بگو :

یا رَوْفُ یا رَحِيمُ یا رَبُّ یا سَيِّدِي

سپس حاجت خود را بطلب ، انشاءالله آن مرض از او دفع خواهد شد .  
راوی می گوید : چون بر آن ختم مداومت کردم ، علت و مرضِ همسر بر  
طرف شد . (11)

## بنده در سجده

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

هر گاه بنده ای در سجده سه مرتبه بگوید :

یا اللَّهُ یا رَبَّاهُ یا سَيِّداهُ

خداوند کریم در جواب او می فرماید :

لبیک ، ای بنده من ، حاجتِ خودت را از من بخواه ، تا به تو عنایت کنم . و

هر کس در سجده آنقدر بگوید :

یا رَبَّاهُ یا سَيِّداهُ تانفستش قطع شود ، حضرت حق تعالی می فرماید :

حاجت خودت را طلب کن ، ای بنده من .<sup>(12)</sup>

## بیماری طولانی

حضرت صادق آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فرمود :

مردی از انصار چند روز خدمت حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیامد .

بعد از چند روز که خدمت حضرت شرفیاب شد ، حضرت احوال او را پرسید

و فرمود :

چرا چند روز است که غایب هستی و نزد ما نمی آیی ؟ !

عرض کرد : آقا جان فدای شما بشوم ، چند وقت است که دستم تنگ شده و

بیماریم طول کشیده .

حضرت فرمود : می خواهی به تو دعایی یاد بدهم که وقتی که فقیر و

بیمار شدی ، فقر و بیماریت از تو بر طرف شود ؟ !

گفت : بله ، یا رسول الله چه از این بهتر حضرت فرمود :

هر صبح و شب این دعا را بخوان :

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَّلِيٌّ مِّنَ الذَّلِّ وَ كَبَّرَهُ  
تَكْبِيرًا .

می گوید : چون بر آن مداومت کردم احوالاتم نکو گشت ، و حالم بهتر شد .

(13)

## به تعداد رگهای بدنت

مرحوم قطب راوندی رحمته الله روایت کرده است که: بنی اسرائیل عابدی بود که سالها حق تعالی را عبادت می کرد. روزی دعا کرد که: پروردگار را می خواهم حال خودم را نزد تو بدانم، کدامین عمل هایم را پسندیدی، تا همیشه آن عمل را انجام دهم، و الاً پیش از مرگم توبه کنم؟!

حضرت حق تعالی، ملکی را نزد آن عابد فرستاد و فرمود: تو پیش خدا هیچ عمل خیری ندارد

گفت: خدایا، پس عبادتهای من چه شد؟! ملک فرمود: هر وقت عمل خیری انجام میدادی به مردم خبر میدادی، و می خواستی مردم به تو بگویند: چه آدم خوبی هستی و به نیکی از تو یاد کنند. خُب، حالا ثوابت را گرفتی، آیا برای عملت راضی شدی؟

این حرف برای عابد خیلی گران آمد و محزون و ناراحت شد، و صدایش به ناله بلند گردید.

ملک بار دیگر آمد و فرمود:

حق تعالی می فرماید:

الحال خود را از من بخر، و هر روز به تعداد رگهای بدنت تصدق بده.

عابد گفت: خدایا چطوری من که چیزی ندارم؟! فرمود: هر روز سیصد و

شصت مرتبه، به تعداد رگهای بدنت بگو:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ .

عابد گفت: خدایا اگر این طور است، زیادتیر بفرما؟!

فرمود: اگر زیادتیر بگویی ثوابت بیشتر است. <sup>(14)</sup>

## فضیلت‌های این نماز

یک روز مردی بادیه نشین و صحرائی خدمت با کرامت حضرت رسالت پناه

ﷺ مشرف شد و گفت :

پدر و مادرم فدای شما باد ، ای رسول خدا ، ما در بادیه و بیابان هستیم و از مدینه دوریم و نمی توانیم هر جمعه به نماز جمعه حاضر شویم ، از شما خواهشی دارم که به من عملی تعلیم کنید که وقتی که آن را بجا آوردم فضیلت نماز جمعه را در یابم و وقتی که به اهل و قبیله ام برگشتم آن را به آنها بیاموزم .

حضرت رسول ﷺ فرمودند :

وقتی که روز بر آمد ، دو رکعت نماز بخوان ، در رکعت اول بعد از حمد هفت مرتبه قل اعوذ برب الفلق بخوان . و در رکعت دوم بعد از حمد هفت مرتبه قل اعوذ برب الناس را بخوان و بعد از سلام هفت مرتبه آیه الکرسی بخوان ، سپس برخیز و هشت رکعت دیگر بخوان به دو سلام و بعد بنشین .

بعد از هر دو رکعت از آن تشهد را بخوان و سلام نمازت رانگو و چون چهار رکعت دیگر را تمام کردی سلام نمازت رابگو . و چهار رکعت دیگر هم به همین نحو بجا آور و در هر رکعتی ، سوره حمد یک مرتبه و اذاجانصرالله یک مرتبه و قل هوالله احد بیست و پنج مرتبه و چون از تشهد و سلام فارغ شدی ، این دعا را هفت مرتبه بخوان : یا حییُّ یا قیُّومُ ، یا ذالْجَلالِ وَ الْاِکْرَامِ یا اِلهَ الْاَوَّلِینَ وَ الْاَخْرِینَ ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ ، یا رَحْمَنَ الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ رَحِیْمَهُمَا ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اغْفِرْ لِی .

پس حاجت خودت را بگو . بعد هفتاد مرتبه بگو : لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ .  
به حق آن خداوندی که مرا به صدق و راستی فرستاد ، سوگند می خورم .

که هر مؤمن و مؤمنه ای که این نماز را در روز جمعه بجا آورد ، من برای او بهشت را ضامن هستم .

و از جانمازش برنخیزد مگر اینکه خداوند متعال ، تمام گناهان او و گناهان پدر و مادرش را بباموزد . و حضرت حق تعالی ، به خاطر آن نمازهایی را که انجام داده ، برای او ثواب شهرهای مسلمانان را بنوسید .

و برای او اجر کسی است که در مشرق و مغرب عالم روزه گرفته و نماز خوانده . و حق تعالی ، آنچه را که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشیده به او عنایت می فرماید .<sup>(15)</sup>

## رحم بر مرده ها

حضرت رسول ﷺ فرمودند :

بر میت سخت تر از شب اول قبر نمی گذرد ، پس بر مردهای خودتان رحم کنید و صدقه برای آنها بدهید ، و اگر چیزی پیدا نکردید که صدقه بدهید ، یکی از شماها دو رکعت نماز برای او بخواند که در رکعت اول آن سوره حمد یک مرتبه و اَلْهِیْکُمُ التَّکَاثُرُ ده مرتبه و بعد از سلام بگو :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَبْعَثْ ثَوَابَهَا اِلٰی قَبْرِ ذٰلِكَ الْمَيِّتِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ (اسم مرده را می بری) .

حضرت حق سبحانه و تعالی ، (بواسطه این عمل ) همان ساعت هزار ملک که با هر ملک جامه و حله ای است را به سوی قبر آن میت می فرستد ، و تنگی قبر بر آن مرده تا روز نفخه صور (قیامت ) وسیع خواهد شد .  
و خداوند متعال به خواننده این نماز به تعداد آنچه که آفتاب بر او طلوع کرده حسنات خواهد بخشید ، و چهل درجه بالا به او عنایت خواهد کرد .  
(البته این نماز را بطور دیگر هم روایت کرده اند که دو رکعت است ، در رکعت اول بعد از حمد آیه الكرسي

یکمرتبه و توحید دو مرتبه بخواند . (16)



## حدیث نفس

حضرت صادق آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فرمود :

برای هر مؤمنی چهل روز نمی گذرد ، مگر اینکه گرفتار حدیث نفس می شود . پس هر وقت حدیث نفس بر کسی عارض شد ، دو رکعت نماز بجا آورد و از شر آن به خدا پناه ببرد .  
چون یک روز حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ از حدیث نفس به خداوند عزوجل شکایت کرد .

حضرت جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ نازل شد و فرمود : بگو : لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ  
حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ تا این ذکر را فرمود ، حدیث نفس او بر طرف شد . (17)

## وسوسه

حضرت امام محمد باقر عليه السلام فرمودند :

یک روز مردی محضر مقدس آقا حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شد از وسوسه حدیث نفس و قرضی که برای او سنگین شده بود و از فقر و درویشی به آن حضرت شکایت کرد .

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمودند :

این ذکر را همیشه تکرار کن و بگو : **تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَّلِيٌّ  
مِّنَ الذَّلِّ وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا .**

آن مرد رفت .چند روزی نگذشته بود که دوباره خدمت حضرت آمد و گفت  
: یا رسول الله (عجب ذکری به من عنایت کردی ، دستت درد نکند) ، خداوند  
متعالم به برکت این ذکر ، وسوسه را از من دور کرد و قرض مرا ادا نمود و مرا از  
درویشی و فقر نجات داد و توانگر فرمود . (18)

## قرض و ستم

مردی خدمت با شرافت حضرت صادق آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرفیاب شد و از قرض و ستم سلطان به آن حضرت شکایت کرد و گفت :  
ای آقای من ، اطرافم را قرض احاطه کرده و سلطانی هم هست که به من ظلم می کند ، اگر دعایی دارید به من بیاموزید تا به وسیله آن دعا ، غنیمتی ، گنجی ، زیرخاکی ، چیزی پیدا کنم و قرضهایم را اداء کنم و ستم سلطان را هم با آن باز دارم ؟ !

حضرت فرمود :

وقتی که شب شد ، دو رکعت نماز بخوان ، که در رکعت اول آن : بعد از حمد آیه الکرسی باشد . و در رکعت دوم : بعد از حمد ، آخر سوره حشر را بخوان  
(لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ )

را تا آخر سوره بجا آور . (19)

بعد قرآن را بر سرت بگذار و بگو :

بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدًا أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ .

و بعد ده مرتبه بگو :

بِكَ يَا اللَّهُ

و بعد ده مرتبه ، يا مُحَمَّدٌ .

و بعد ده مرتبه ، يا عَلِيُّ .

و بعد ده مرتبه ، يا فَاطِمَةُ .

و بعد ده مرتبه ، يا حَسَنُ .

و بعد ده مرتبه ، يا حُسَيْنُ .

و بعد ده مرتبه ، يا عَلِيُّ بْنِ الْحُسَيْنِ .

و بعد ده مرتبه ، يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ .

و بعد ده مرتبه ، يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ .

و بعد ده مرتبه ، يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ .

و بعد ده مرتبه ، يا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى .

و بعد ده مرتبه ، یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ .

و بعد ده مرتبه ، یا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ .

و بعد ده مرتبه ، یا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ .

و بعد ده مرتبه ، بِالْحُجَّةِ .

بعد حاجت خود را از خداوند متعال بخواه .

راوی گفت : آن مرد رفت و بعد از یک مدتی آمد ، در حالیکه قرضهایش را

اداء کرده بود و امر سلطانش اصلاح شده بود و مالش زیاد گشته بود .<sup>(20)</sup>

## محنت و سختی

یکروز حضرت امام زین العابدین علیه السلام از جایی عبور می کردند ، دیدند  
مردی در خانه ی کسی نشسته .

حضرت به آن مرد فرمودند :

ای مرد ، چرا در خانه این ستمکار جبار نشسته ای؟! !

گفت : بخاطر اینکه محنت و سختی بر من عارض شده .

حضرت فرمود :

برخیز برویم تا من تو را به در خانه کسی راهنمایی کنم که بهتر از آن در  
خانه کسی نیست . و به سوی ربّی که برای تو بهتر است . سپس حضرت دست  
او را گرفتند و تا مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آوردند و فرمودند :

رو به قبله ، دو رکعت نماز به در گاه خدا بجا بیاور ، بعد ثنای خداوند متعال  
را بگو و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرست و آخر سوره حشر را بخوان و  
شش آیه اول سوره حدید و در آیه ای که در سوره آل عمران است (شاید آیه  
قل اللهم مالک المک . . . (باشد یعنی تا بغیر حساب ) یا شَهِدَ اللهُ . . . باشد . )  
بخوان . انشأ اللهُ خدا حاجتت را برآورده میکند .

گوید : آن مرد آن را انجام داد و تمام گرفتاریهایش رفع گردید . (مرض

عظیم

سعید بن ابی الفتح قمی گفت :

(21)

من مرض عظیم و بدی گرفتم ، و خیلی هم طبیب و دکتر رفتم و دوا خوردم ، فایده ای نبخشید . و تمام پزشکان از علاج من عاجز شدند . پدرم مرا به دارالشفأ که مجمع تمام پزشکان حاذق نصرانی و مسیحی و یهودی بودند ، برای معالجه ام برد . آنها هم بعد از معاینه با هم جلسه گرفتند و بعد از آن در نتیجه ما را ماء یوس کردند و گفتند : این مرض علاجی ندارد مگر خداوند متعال نظر لطفی کند . از این سخن دلم شکست و غم تمام اعضای مرا گرفت ، تا اینکه منزل آمدیم و کتابی از کتابهای پدرم را برداشتم که جهت رفع غم و غصه ، خود را مشغول کنم .

تا جلد کتاب را باز کردم و صفحات آن را ورق زدم ، پشت کتاب نوشته ای نظر مرا بخود جلب کرد .

وقتی که مطالعه کردم ، دیدم حدیثی از حضرت امام صادق آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نوشته ! که از حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام مرویست :

که پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود :

هر کسی که مریض باشد ، بعد از نماز صبح ، چهل بار بگوید :  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ،  
تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ .

بعد دستش را بر آنجایی که درد می کند بمالد ، از آن درد صحیح و سالم گردد . و حضرت عزّت خداوند تبارک و تعالی او را شفا بخشد .

من شب را تا صبح صبر کردم ، وقتی صبح شد و نمازم را بجا آوردم ، این دعا را چهل مرتبه با سوز و گداز و دل شکسته خواندم و دستم را بر موضع درد مالیدم .

خداوند تبارک و تعالی به برکت این ذکر مرض را از من رفع نمود و شفایم داد .

ولی باز همینطوری که نشسته بودم ، می ترسیدم برخیزم که مبادا دوباره آن مرض برگردد ، تا سه روز همینطور بودم ، تا اینکه دیدم ، نه ، اصلا اثری از مرض نیست . پدرم را صدا زدم و ماجرا را برای او تعریف کردم ، پدرم خیلی خوشحال شد ، و خدا را شکر کردیم .

بعد آمدیم برای بعضی از اطباء و پزشکان ذمی ، ماجرا را نقل کردم ، آنها بعد از معاینات و ملاحظات در همان آن مسلمان شدند و کلمه شهادت را به زبان جاری نمودند و از مسلمانان عالی و خوب شدند .<sup>(22)</sup>

## رنگِ پریده

ابن عباس فرمود :

یکروز در خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بودم .شخصی در حالی که رنگش پریده بود ، محضر مقدس حضرت شرفیاب شد ، و گفت : یا امیرالمؤمنین ، من همیشه بیمارم و دردهای زیادی دارم ، از شما خواهشمندم که دعایی به من بیاموزید که بوسیله آن دعا بیماریم رفع گردد و صحت خودم را باز یابم .

حضرت علی علیه السلام فرمود :

من دعایی به تو یاد می دهم که حضرت جبرئیل علیه السلام آن را به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آموخت ، در وقتی که حسن و حسین 8 مریض بودند . و آن دعا این است :

إِلٰهِي كَلَّمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ نِعْمَةً قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي وَ كَلَّمَا ابْتَلَيْتَنِي بِبَلِيَّةٍ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعْمِهِ فَلَمْ يَحْرَمْنِي وَ يَا مَنْ قَلَّ صَبْرِي عِنْدَ بَلَائِهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِي وَ يَا مَنْ رَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَ يَا مَنْ رَأَى عَلَيَّ الْخَطَايَا فَلَمْ يُعَاقِبْنِي عَلَيْهَا صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ اشْفِنِي مِنْ مَرَضِي إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

ابن عباس می گوید :

آن مرد را بعد از یکسال دیدم ، در حالی که رنگش نیکو و قرمز شده بود ، و گفت :در هیچ دردی این دعا را نخواندم مگر اینکه در آن شفا یافتم .

و بر هر سلطانی که وارد می شدم و از او می ترسیدم این دعا را می خواندم ،  
خداوند متعال به برکت این ختم شرّ او را از من دور می کرد .<sup>(23)</sup>

## مرض صداع

ربیع الابرار نقل می کند :

مامون در طوس به مرض صداع گرفتار شد و به هیچ وجه علاج نمی شد .  
قیصر روم ، کلاهی برای او فرستاد و در نامه ای برای او نوشت ، شنیده ام به  
مرض صداع (سر درد) مبتلا شده ای ، این کلاه را برایت فرستادم که بر سرت  
بگذاری تا دردت ساکت شود .

مامون ترسید که در آن زهری پنهان کرده باشد ، دستور داد تا اول بر سر  
حاملش بگذارند ، دید که به او ضرری نرسید ، بعد امر کرد به سر کس دیگری  
که صداع داشت بگذارند .وقتی که گذاشتند ، دردش ساکت شد .آن وقت آن  
کلاه را بر سر خودش گذاشت ، دردش ساکت شد .تعجب کرد که این کلاه چه  
سیری دارد ، آن کلاه را شکافت ، دید که نوشته ای در آن است ، آن نوشته را  
باز کرد ، دید که نوشته :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ فِي عِرْقٍ سَاكِنٍ حَمٍّ عَسَقَ لَا  
يُصَدِّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ مِنْ كَلَامِ الرَّحْمَنِ خَمَدَتِ النَّيْرَانُ وَ لَاحَوْلَ وَ لَاقُوَّةَ إِلَّا  
بِاللَّهِ وَ جَالَ نَفْعُ الدَّوَاءِ فِيكَ كَمَا يَجُولُ مَاءُ الرَّبِيعِ فِي الْغُصْنِ .<sup>(24)</sup>

## دِلِ دَرْد

شخصی محضر مقدس حضرت رسول ﷺ مشرف شد و از درد شکم برادرش به آن حضرت شکایت کرد . حضرت فرمودند : به برادرت امر کن ، شربت با آب گرم و عسل درست کند و بپاشد . آن مرد رفت و فردای آن روز خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد : یا رسول الله ، آن شربت را به او آشامیدم ولی اثری نکرد .

حضرت رسول ﷺ فرمودند :

صدق الله و کذب بطن اخیک . یعنی : خدا راست گفته و شکم برادرت دروغ گفت .

برو به او شربت عسل بده و او را به سوره حمد تعویذ کن یعنی هفت مرتبه سوره حمد را بر آن شربت بخوان . وقتی که آن مرد رفت ، حضرت رسول ﷺ به حضرت امیرالمؤمنین علیؑ فرمودند :

این مرد چون منافق بود از این جهت آن شربت به او نفع نبخشید . (25)

## سفیدی چشم

یونس گفت : ما بین دیدگانم سفیدی ظاهر شده بود به حضرت صادق علیه السلام شکایت کردم . آن حضرت فرمودند :  
و ضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان و این دعا را بگو :

ياَ اللهُ ياَ رَحْمَنُ ياَ رَحِيمُ ياَ سَمِيعَ الدَّعَوَاتِ ياَ مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ اَعْطِنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ خَيْرَ الْآخِرَةِ وَ قِنِي شَرَّ الدُّنْيَا وَ شَرَّ الْآخِرَةِ وَ اَذْهِبْ عَنِّي ما اَجِدُ فَقَدْ غَاظَنِي الْاَمْرُ وَ اَحْزَنَنِي .

یونس گفت : هر آنچه را که حضرت فرمود ، به آن عمل کردم .حق تعالی پیسی را از من زائل کرد . و له الحمد و در روایت دیگر دارد :

حضرت فرمود : چون ثلث آخر شب می شود ، در سجده آخر رکعت اول ،  
بگو :

ياَ عَلِيُّ ياَ عَظِيمُ ياَ رَحْمَنُ ياَ رَحِيمُ ياَ سَامِعَ الدَّعَوَاتِ ياَ مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَ اَصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَ اَذْهِبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعَ فَانَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَ اَحْزَنَنِي .

و الحاح و مبالغه در دعا کن .

آنچه را که حضرت فرمودند ، انجام دادم

، هنوز به کوفه نرسیده بودم که خوب شدم .<sup>(26)</sup>

## درد چشم

یونس بن حلیبان نقل کرد :

یکروز محضر مقدس حضرت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم ، دیدم حضرت به درد چشم بسیار سختی دچار شده و بحدی آقا را اذیت می کرد که ما ناراحت شدیم و محضر حضرت را ترک کردیم .

روز دیگر خدمت با سعادتشان مشرف شدیم ، دیدیم که حضرت صحیح و سالم است و هیچ عارضه ای در چشم مبارکشان نمی باشد ، تعجب کردیم و گفتیم : فدایت شویم آیا چشمهای خود را با چیزی معالجه فرموده اید ؟ !  
حضرت فرمودند :

بلی ، به چیزی که او از معالجات بود . گفتیم : قربانت آن چه بود ؟ ! حضرت فرمودند : تعویذی بود . آن تعویذ را از حضرت گرفتم و آن را نوشتم و آن تعویذ این است :

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِنُورِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعِظَمِهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ  
بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِبَهَاءِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ  
گفتیم : جَمْعُ اللَّهِ چیست ؟ !

فرمود :

بِكُلِّ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَفْوِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِالْأَيْمَةِ

یک یک نام آنها را برد ، آن گاه فرمود علی ما نَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ اللَّهُمَّ رَبَّ  
الْمُطِيعِينَ . (27)

## رزق

ابوبصیر نقل می کند: به حضرت صادق علیه السلام از حاجت خودم شکایت کردم و از آن حضرت خواستم که به من دعایی جهت رزق بیاموزد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: در نماز شب، وقت سجده (در روایت دیگر: در سجده آخر رکعت هشتم نافله شب) این دعا را بخوان: يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَيَا خَيْرَ مَسْئُولٍ وَيَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَىٰ وَيَا خَيْرَ مُرْتَجِيٍّ أُرْزُقْنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ وَسَبِّ لِي رِزْقًا مِنْ قَبْلِكَ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

حضرت این دعا را به من تعلیم فرمود، از وقتی که من آن را خواندم، دیگر محتاج نشدم. (28)

## درد زانو

ابوحمزه ثمالی نقل می کند :

دردی در زانویم عارض شد و به حضرت امام محمد باقر علیه السلام از آن درد شکایت کردم . حضرت فرمودند : هر وقت نماز خواندی بعد از آن این دعا را بگو :

يا اَجُودَ مَنْ اَعْطَى وَايَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَايَا اَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمِ ضَعْفَى وَاَقْلَهُ حَيْلَتَى وَاَعْفِنِي مِنْ وَجَعِي .

من آن دعا را خواندم و عافیت پیدا کردم .<sup>(29)</sup>

## هنگام خواب

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ فرمودند :

یکشب رختخوابم را پهن کرده بودم و می خواستم بخوابم ، حضرت رسول

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر من وارد شد و فرمودند :

ای فاطمه ! نخواب ، مگر چهار عمل را بجا آوری .

گفتم : آن چهار عمل چیست ؟ ! فرمود :

اول : ختم قرآن کن .

دوم : پیغبران را شفیع خود گردان .

سوم : مؤ منین را از خود خوشنود گردان چهارم : حج و عمره را بجا آور .

سپس مشغول نماز شدند ، من منتظر ماندم تا نماز حضرت تمام شد ، گفتم :

یا رسول الله ، مرا امر فرمودید : به چهار چیز که قدرت انجام آن را در این

وقت ندارم .

آن حضرت تبسمی کردند و فرمودند :

1 هر وقت خواستی بخوابی قل هو الله احد را سه مرتبه خوان ، مثل این

است که قرآن را ختم کردی یعنی ثواب ختم قرآن را برایت می نویسند .

2 وقتی که بر من و پیغبران قبل از من صلوات بفرستی ، ما در روز قیامت

شفیعان تو خواهیم بود . یعنی بگویی : سَلَامٌ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ 3

وقتی برای مؤ منین استغفار بگویی

، یعنی بگویی : اللَّهُمَّ اغْفِرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ . پس تمام آنها از تو

خوشنود می شوند .

4 و وقتی بگویی : سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ .

پس حج و عمره بجا آوردی .<sup>(30)</sup>

## خانه نمی سوزد

یک روز به ابوالدرداء خبر دادند که خانه ات سوخت . گفت : خانه من آتش نمی گیرد . دوباره کس دیگری آمد و گفت : ای ابوالدرداء خانه ات آتش گرفت

باز گفت : خانه من آتش نمی گیرد .

تا سه مرتبه برای او خبر آتش گرفتن خانه اش را آوردند و او هم می گفت :  
خانه من آتش نمی گیرد .

بعد معلوم شد تمام خانه های اطراف در آتش سوخت مگر خانه او . به او گفتند :

از کجا فهمیدی که خانه ات آتش نگرفت و نسوخت ؟ ! گفت : چون از رسول خدا ﷺ شنیدم هر کس هر روز صبح این دعا را بخواند ، در آن روز هیچ بلا و آسیبی به او نمی رسد ، و من چون این دعا را خوانده بودم ، خیالم راحت بود و آن دعا این است :

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَلَا حَوْلَ  
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ  
شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ قَضَاءِ السُّوءِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ  
شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنْ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ .<sup>(31)</sup>

## پیروزی بر دشمنان

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود :

شبیه حضرت خضر نبی علیه السلام را در خواب دیدم و به او گفتم :

به من چیزی یاد بده که به واسطه آن بر دشمنان پیروز شوم .

حضرت خضر علیه السلام فرمود :

یا علی ، بگو :

یا هُوَ یا مَنْ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ

روز بعد جریان را به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم . حضرت فرمودند :

او اسم اعظم را به تو تعلیم کرده ؛ و همین اسم در روز بدر بر زبان من جاری

بود و حضرت حق سبحانه و تعالی به برکت این اسم مرا نصرت داد و پیروز

گردانید . (32)

## بیماری شدید

داود درزنی گفت :

در مدینه به بیماری شدیدی گرفتار شدم ، چون خبر بیماریم به حضرت صادق علیه السلام رسید . حضرت برای من نامه ای مرقوم فرمودند ؛ و فرمودند :  
یکصاع گندم بخر ، و بر پشتت بخواب و آن گندم را روی سینه ات بریز و بعد بگو : **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُسْتَظَرُّ كَشَفَتْ مَا بِهِ مِنْ ضَرٍّ وَ مَكَّنْتَ لَهُ مَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي .**

سپس درست بنشین و گندمها را جمع کن و باز این دعا را بخوان و آن را به چهار قسمت تقسیم کن ، و هر قسمتی را به فقیری بده و باز این دعا را بخوان .  
داود گفت : آن را انجام دادم گویا که از بند خلاص شدم و به هر کس این عمل را گفتم ؛ انجام داد شفا یافت .<sup>(33)</sup>

## مرض صعب العلاج

راوی گفت :

بیماری صعب العلاجی داشتم حضرت صادق علیه السلام به عیادت آمد .  
وقتی ناراحتی و جزع و بیتابی مادرم را مشاهده فرموده بودند ، به او عمل  
زیر را تعلیم دادند . چون صبح شد بطوری صحت یافته بودم که هر چه پخته  
بودند من با کمال میل با آنها شریک شدم و خوردم . و آن عمل اینست که :مادر  
بیمار به بام خانه برود و مقنعه را از سر بردارد ، (بام طوری باشد که کسی او را  
نبیند . ) و موهای خود را پریشان کند و بگوید :

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعْطَيْتَنِيهِ وَأَنْتَ وَهَبْتَنِيهِ فَاجْعَلْ هَيْتَكَ الْيَوْمَ جَدِيدَةً إِنَّكَ قَادِرٌ مُّقْتَدِرٌ

هنوز سر بر نداشته باشد که فرزندش شفا یابد . (34)

## جوش و دمل

شخصی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد :

آقا جان ، چند وقت است که در بدنم کنه و ماده پیدا شده است چه کنم ؟ !

حضرت فرمود :

سه روز روزه بگیر و در روز چهارم وقت زوال غسل کن و پارچه پاکیزه بپوش ، حالا کهنه یا نو فرق نمی کند و مثل لنگ دور خود بپیچ و به صحرا و یا بام خانه یا جای بلندی برو ، و چهار رکعت نماز بخوان و تا می توانی سعی کن که گریه کنی یا خود را بگریه در آوری ، و بعد به خاک به سجده برو ، و پهلوی راست و روی خود را بر زمین بگذار و در حال تضرع و گریه و زاری و خضوع این دعا را بخوان .

در آخر فرمودند :

وقتی این دعا تاثیر می کند که خاطر جمع و مطمئن باشی که دعایت مستجاب می شود . من این کار را کردم و عافیت پیدا کردم .

این دعا این است :

یا واحدٍ یا احدٌ یا صمدٌ یا کریمٌ یا جبارٌ یا قریبٌ یا مُجیبٌ یا ارحمَ الرَّاحِمینَ  
صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاکْشِفْ ما بی ضُرِّی وَالْبَسْنِی الْعَافِیَهَ ، الشَّافِیَهَ ،  
الْکَافِیَهَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهَ وَ اٰمِنْ عَلَیَّ بِتَمَامِ النُّعْمَهِ وَ اذْهَبْ ما بی تَذَرْنِی وَ غَمَّنِی

(35)

## خیال های باطل

شخصی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد :

آقا جان ، خیالهای باطل و آروزهای طول و دراز و واهمی و سوسه های فاسد ، سینه مرا اذیت و آزار می دهد ، یک فکرهای پوچ و توخالی توی ذهنم می آید که از دین و اعتقاداتم سست می شوم ، فدایت شوم ، ای پسر رسول خدا ، کمکم کن ، تا من از این و سوسه های درونی نجات پیدا کنم .

آن حضرت فرمود :

دست روی سینه ات بکش و بگو :

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لِاحْوَالٍ وَ لِأَقْوَاهِ  
إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اَمْحُ عَنِّي مَا أَجِدُ

سپس دست بر شکم بمال و سه مرتبه این دعا را تلاوت کن .

آن شخص این عمل را انجام داد آن حالت از او زایل شد .<sup>(36)</sup>

## اضطراب و ترس

بنده خدایی ، خدمت با شرافت حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد :  
مولای من ، من زیاد سفر می کنم و در مواضع هولناک و ترسناک و  
وحشناکی بسری برم ، چیزی به من تعلیم فرمائید که ترس و وحشت و اضطراب  
در وجودم راه پیدا نکند حضرت فرمودند :  
در چنین جاهایی که واقع می شوی دست بر سرت بگذار ، و با صدای بلند  
بگو :

(أَفْعَيْزِ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ  
تُرْجَعُونَ).

راوی گفت :

یک موقع در بیابانی قرار گرفتم که گفته بودند در آنجا جن زیاد دارد من این  
آیه را خواندم :

شنیدم که یکی می گفت : بگیریدش .

دیگری در جواب میگفت :

چگونه او را بگیریم ، در حالی که او پناه به این آیه طیبه الهی برده . (37)

## جن زدگی

یکروز فردی محضر مبارک حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرضکرد :  
فدایت شوم ، پسری دارم که گاهی اوقات باد جن او را میگیرد ، و این درد  
بطوری پسرم را میگیرد که از او ناامید می شوم حضرت صادق آل محمد  
صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند :

سوره حمد را هفت مرتبه ، با مشک و زعفران توی ظرفی بنویس و با آب  
آن را بشوی و تا یک ماه از آن آب به فرزندت بده تا آن را بیاشامد .  
راوی گفت : تا این عمل را انجام دادم در دفعه اول خوب شد و آن مرض بر  
طرف گردید . (38)

## حرز

در زمان حضرت امام زین العابدین علیه السلام کسی کار ضد دینی و شرعی انجام داده بود که مستوجب عذاب درد ناکی شده بود و حضرت دستور داده بودند تا او را به آتش اندازند .

ولی وقتی او را در آتش انداختند برخلاف امر طبیعت آن مرد نسوخت همه تعجب کردند؟!!

دوباره او را به آتش انداختند . باز هم دیدند آن شخص آتش نگرفت . تا سه دفعه این کار را تکرار کردند ، باز دیدند او نسوخت؟!!

او را در آب انداختند تا شاید غرق شود و بمیرد ، ولی باز دیدند غرق نشد و نمرد . حضرت دستور داد :

او را با شمشیر بزنند ، ولی در او هیچ اثری نکرد .

حضرت فرمود :

او را بگردید و تفتیش کنید ، زیرا او دعایی همراه دارد که هیچ چیز در او اثر نمی کند . وقتی او را برهنه کردند از او دعایی پیدا کردند ، و آن دعا این بود :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يُصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يُحْيِي الْمَوْتَى إِلَّا هُوَ ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ، وَبِحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَبِحَقِّ كَهَيِّصَ وَبِحَقِّ حَمَّعَسَقَّ كَامِلًا حَاوِيًا بِأَسْرًا فَامِلًا صَادِقًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ<sup>(39)</sup>

## اسم اعظم

محکومی را به پای دار می بردند ، در بین راه به بزرگی برخورد نمود ، از آن شخص بزرگ تقاضای اسم اعظم کرد .

آن بزرگ فرموده بود :

با کسی سخن مگو و هزار بار این ذکر را بگو : **اللَّهُ الصَّمَدُ** اگر این ذکر را تمام نکردی ، مهلت اتمام آن را بخواه .

آن شخص اعدامی مشغول این ختم شود ، هنوز به پای دار نرسیده بود که قادر متعال اسباب تبرئه او را فراهم کرد و خبر فتح رسید و مژده خلاصی او آمد .<sup>(40)</sup>

## آیه الکرسی

عبدالله ابن جعفر گفت :

من بیماری سختی گرفتم که تمام اطباء از معالجه آن عاجز شدند . یکشب خیلی ناراحت و رنجور بودم که خدایا چه کنم ؟ ! همینطور در فکر بودم که یک وقت به ذهنم خطور کرد که به یک آیه از آیات قرآن استشفاء کنم .

آمدم لای قرآن را باز کردم آیه آیه الکرسی آمد ، آن را خواندم و بخودم دمیدم . خوابم گرفت ، وقتی خوابیدم ، در خواب دیدم دو مرد مقابل من ایستاده اند و به همدیگر می گویند :

این مرد آیه ای خواند که در آن آیه سیصد و شصت و پنج رحمت است و آن مرد تازه به یک رحمت رسیده .

از هیبت آن ، از خواب پریدم ، وقتی بخود آمدم متوجه شدم که شفا یافته ام

(41)

## زیاد خواندن آیه الکرسی

عبدالله بن عون گفت: یک شب در خواب دیدم قیامت برپا شده، و تمام مردم پای حساب ایستاده اند. از من به آسانی حساب کردند و مرا به بهشت بردند و قصرهایی به من نشان دادند که از دیدن آن متحیر شدم. به من گفتند: درهای قصرها را بشمار.

وقتی که شمردم، پنجاه در بود. دوباره گفتند: خانه هایش را بشمار. شمردم، صد و هفتاد و پنج خانه بود. گفتند: درست است. من از شادی و خوشحالی، از خواب بیدار شدم و خدا را شکر کردم، صبح که شد، آمدم پیش محمد بن سیرین و خوابم را برای او تعریف کردم.

ابن سیرین به من گفت: گمان کنم تو آیه الکرسی را زیاد می خوانی؟ گفتم: بله، ولی شما از کجا می دانید؟! گفتم: برای اینکه این آیه پنجاه کلمه است و صد و هفتاد و پنج حرف دارد. من از حافظه و زیرکی او تعجب کردم! آنگاه گفت: هر کس این آیه را بخواند سكرات مرگ بر او آسان می شود.

(42)

## جهت فقر

مردی خدمت با کرامت حضرت رسول خدا ﷺ مشرف شد و از فقر شکایت کرد .

آن حضرت فرمودند :

وقتی که داخل خانه ات شدی سلام کن ، کسی در خانه بود ، جواب سلامت را می دهد و اگر کسی خانه نبود در آن سلام کن و یکبار سوره قل هو الله احد را بخوان .

آن مرد رفت و هر چه را که حضرت فرموده بود ، عمل کرد .

خداوند متعال رزقش را بر او سرازیر کرد که حتی همسایه ها هم از آن

بهرمند شده بودند .<sup>(43)</sup>

## قل هو الله ...

انس می گوید :

یک روز با حضرت رسول ﷺ در تبوک بودیم ، آن روز آفتاب با نور و شعاعی که تا بحال مثل آن را ندیده بودیم در آمد .

گفتم : یا رسول الله ، این چه نوری است که بر خورشید غلبه کرده ؟ !

آن حضرت متفکر شد ! ؟

حضرت جبرئیل علیه السلام تشریف آوردند و فرمودند :

یا رسول الله ، معاویه لیتی در مدینه فوت کرده و حضرت حق هفتاد هزار فرشته را برای نماز بر او فرستاده .

وجود مقدس پیغمبر ﷺ از حضرت جبرئیل علیه السلام پرسیدند : این مرتبه و

مقام و درجه را بواسطه چه عملی دریافت کرده ؟ !

حضرت جبرئیل علیه السلام فرمود : بخاطر خواندن سوره قل هو الله . زیرا او

همیشه مداومت بر آن سوره داشت حتی در نشستن و ایستادن و رفت و آمد .

حضرت رسول ﷺ فرمود :

ای جبرئیل من هم آرزو دارم بر او نماز بخوانم . پس حضرت با طی الارض

به مدینه آمدند و با ملائکه بر جنازه او نماز خواندند . (44)

## درد مفاصل

شخصی با امام پنجم حضرت باقر آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ از درد مفاصل شکایت کرد .

حضرت به او این دعا را تعلیم فرمودند : **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَدَعْوَةِ نَبِيِّكَ الطَّاهِرِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ عَنْكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِحَقِّ ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ وَصِيِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِحَقِّ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَذْهَبْتَ عَنِّي مَا أَجِدُ بِحَقِّهِمْ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ**

می گوید : این دعا را با خلوص خواندم درد مفاصلم ساکت شد . (45)

## پرنده کور

یکروز با حضرت رسول الله ﷺ به طرف کوههای مدینه می رفتیم ، داخل بیابانی شدید ، آن حضرت به من اشاره فرمودند ، نزدیک حضرت شدم . حضرت ، پرنده کوری را بمن نشان دادند که در میان شاخه درختی بود و منقارش را به هم می زد .

حضرت رسول ﷺ فرمود :

متوجه می شوی که این پرنده چه می گوید ؟ گفتم : نه ، یا رسول الله ! حضرت فرمودند : می گوید :

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ ، حَجَبْتَ عَنِّي بَصَرِي وَ قَدْ جَعَلْتُ فَاطِعِمْنِي

یعنی : خدا یا تو عادل هستی و ظلم نمی کنی ، چشم من کور است من گرسنه شده ام پس مرا طعام بده .

در این لحظه ملخی آمد و وارد دهان او شد ، و آن پرنده دهانش را بست . حضرت فرمودند : می فهمی چه می گوید ؟

گفتم : نه ، یا رسول الله !

حضرت فرمودند : می گوید :

مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ كَفَاهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ لَا يَنْسَاهُ . یعنی : کسی که بر خدا توکل

کند خداوند متعال او را کفایت فرماید و

کسی که خدا را یاد کند ، خداوند او را فراموش نمی کند . (46)

## دعای قرض

مفضل بن فضاله می گوید :

قرضی داشتم و این دعا را خواندم . شخصی در خواب به من گفت : از فلان جا این مقدار مبلغ را بردار و قرض خود را ادا کن . از خواب بیدار شده و به همان جایی که به من در خواب آدرس داده بودند رفتم و همان مبلغ پولی را که بدهکار بودم برداشتم و پرداخت نمودم . و آن دعا اینست :

يا ذَالْجَلالِ وَالْاِكْرَامِ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اقْضِ عَنِّي دَيْنِي .<sup>(47)</sup>

## طلبکارها

حسین بن خالد می گوید :

در بغداد هفصد هزار در هم مقروض شدم ، طلب کارها مرا امان نمی دادند و هر دفعه دنبالم می فرستادند .

خلاصه از دست آنها پنهان شدم که مرا نبینند و به همین خاطرهم نمی توانستم خدمت حضرت امیر علیه السلام برسم ، در عین حال نامه ای برای حضرت نوشتم و در آن نامه ، احوالاتم را بیان کردم .

حضرت در جواب نوشته بودند که :

بعد از هر نماز سه مرتبه این دعا را بخوان :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَرْحَمَنِي بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَرْضَى عَنِّي بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَغْفِرَ لِي بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ .

از وقتی که آن را خواندم و بر آن دعا مداومت نمودم ، واللّه به چهار ماه

نکشید که تمام قرضهایم ادا شد و صد هزار در هم ، هم اضافه آمد .<sup>(48)</sup>

## ارواح

یک روز شخص مؤمنی محضر مقدّس حضرت امام محمد باقر علیه السلام مشرف شد و از ارواحی که کنیزش را متعرض می شوند شکایت نمود و عرض کرد: ای پسر رسول خدا، کنیزی دارم که ارواح متعرض او می شوند و خیلی ناراحت است چه کنم؟ حضرت فرمودند: تعویذ کن او را به سوره فاتحه (سوره حمد) و ناس و فلق هر کدام از سوره ها را ده بار بنویس که همراهش باشد. سپس در ظرفی با مشک و زعفران بنویس و به او بنوشان و در نوشیدنی و وضو و غسل او هم این آب باشد. به دستورات حضرت عمل کردم، بعد از سه روز خداوند متعال او را نجات داد. <sup>(49)</sup>

## شرّ شیطان

بعضی از اصحاب به حضرت رسول اکرم ﷺ از و سوسه شکایت کردند و گفتند :

یا رسول الله ، شیطان بین ما و نمازمان حائل می شود و ما را در شک می اندازد و نمازمان را بر ما مشتبه می کند . چه کنیم ؟ !

حضرت فرمودند :

به آن شیطانی که در نماز شما را وسوسه می کند خِترَب می گویند : پس اگر احساس وسوسه کردید ، از شرّ او بخدا پناه ببرید و بگوئید :

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ خِترَبٍ

و سه بار از طرف چپ خود آب دهان بیندازید ، تا آن شیطان دور شود .

تا این عمل را انجام دادم ، خدا ، آن حالت وسوسه را از من دور فرمود .<sup>(50)</sup>

## جهت زنده شدن قلب

شخصی در خواب حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را زیارت نمود و از آن حضرت درخواست کرد که : یا رسول الله مرا دعایی تعلیم فرمائید که دلم زنده شود .

حضرت این کلمات را به او تعلیم فرمودند :

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُحْيِيَ قَلْبِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ .

من سه مرتبه این ختم را خواندم ، خداوند متعال به برکت این دعا قلبم را زنده فرمود . (51)

## اذان در خانه

هشام بن ابراهیم آمد محضر مقدس آقا امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ، واز مرضش به آن حضرت شکایت نمود ، وگفت : آقا جان ، فدایت شوم ، هم مریضم هم فرزندی ندارم ، وهر چه حکیم و دوا کردم اثری ندیدم . چه کنم ؟ ! آقا حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند :  
به منزل برو و با صدای بلند در منزلت اذان بگو . هشام گفت : آمدم منزل و دستور حضرت را اجرا کردم ، خداوند متعال هم مریضم را بر طرف کرد و هم فرزندان زیادی به من عنایت فرمود .<sup>(52)</sup>

## دارالشفاء

زنی محضر مقدس حضرت رسول خدا ﷺ شرف یاب شد و عرض کرد :  
یا رسول الله کمکم کنید ! فرزندی دارم که چشم و گوش و دست و پا ندارد ،  
والحال به دارالشفای عنایت شما رو آورده ام ، دعایی دستور فرمائید تا به نتیجه  
برسم .

حضرت رسول ﷺ فرمودند :

اگر میخواهی به حاجت برسی ، بر من زیاد صلوات بفرست ، تا زود به نتیجه  
برسی .

آن زن ، در همانجا شروع به صلوات فرستادن کرد ، و هر قدمی که بر می  
داشت ، صلواتی می فرستاد ، چون به خانه رسید ، فرزند خود را صحیح و سالم  
دید ، از شدت شادی با فرزندش حرفی نزد و به مسجد آمد و ماجرا را به  
عرض آن حضرت رسانید .

حضرت رسول ﷺ با حاضران همه شادمان شدند . در این هنگام حضرت  
جبرئیل علیه السلام نازل شد ، و فرمود :

یا رسول الله ، حضرت حق تعالی بر شما سلام می رساند و میفرماید :  
همانطوری که من امروز به برکت صلوات بر شما اعضای این شکسته حال را  
شفا دادم ، فردا به شفاعت شما ، شکسته های امت شما را درست خواهم کرد .

(53)

## شفای بچه

زنی حامله بود و تنها از مکه به مدینه مهاجرت کرد ، و به همین خاطر او را مهاجره می گفتند ، این بنده خدا ناگهان درد زائیدنش گرفت و پسری مانند یک قطعه گوشت که نه دست و نه پا داشت زائید .

مهاجره ، وقتی چنین دید خیلی ناراحت و افسرده ، به قابله گفت : من به حکم خدا راضیم ، اما ناراحتی من بخاطر شماتت دشمنان یعنی کفار مکه است که میگویند :

فلانه از شهر ما رفت و دین اسلام را قبول کرد و بتان ما دست و پای فرزند او را گرفتند . . . . .

قابله گفت :

شما در این قضیه باید به خدمت سرور کائنات عالم حضرت رسول الله ﷺ بیایی و آن حضرت را از این ماجرا با خبر کنی .

مهاجره ، محضر آن حضرت شرفیاب شد و صورت حال را برای آن حضرت بیان کرد .

آن جناب فرمودند :

بگو : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ .

مهاجره ، این کلمات را بر زبان راند و به طرف خانه خود برگشت ، تا وارد منزل شد ، فرزند خود را با دست و پای سالم و درست دید ، فوراً خدمت حضرت آمد و ایشان را با خبر کرد .

حضرت فرمود :

این از برکت صلوات فرستادن بر من بود . (54)

## امداد غیبی

حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای سید حسن صفی در کتاب  
داستانهای جالبشان نقل فرمودند :

به اتفاق اهل بیت و بنده زاده سید محمد تقی که شیر خوار بود ، بطرف نجف  
اشرف و کربلای معلی حرکت کردیم . بحمدالله و المنه ، سفر بخوبی پایان  
پذیرفت و از نجف اشرف ، عازم به کربلای معلی شدیم تا از آنجا به کاظمین و  
سپس به ایران برگردیم . نزدیک درب قبله حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اثاثیه سفر  
و طفل شیر خوار را به یکی از خویشان مقیم نجف اشرف ، موسوم به میرزا علی  
سپردیم که او برود دم دروازه و ما هم پس از زیارت وداع برویم پیش امانه  
(توبوس ) و حرکت کنیم .

متأسفانه بعد از زیارت که به محل موعود آمدیم از میرزاعلی واثاثیه و  
طفلمان خبری نبود و حال آنکه بین شارع و خیابان صاحب الزمان (عج )  
فاصله بود که به موازات بازار بزرگ است و چند دقیقه ای بیشتر وقت لازم  
نداشت و به هر حال شروع کردیم اطراف میدان به جستجو ، اما خبری نیافتیم .  
رفته رفته هوا گرم شد و ما هم خسته شدیم و نگرانی ما بالا گرفت به حدی  
که دیدچشمم کاهش یافت . در این وضع غیر قابل وصف ، به یاد دعائی از  
مرحوم آ میرزا احمد آشتیانی رحمته الله علیه افتادم که در هدیه الاحمدیه برای رفع  
گرفتاریهای سخت نوشته است ، در خاطرم گذشت که سرم را در موقع خواندن  
دعا باید برهنه نمایم . همین عمل را انجام داده ، سر را زیر آسمان برهنه نموده ،  
دستها را بلند کردم و با آن حال عجیب گفتم :

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ اَللّٰهُمَّ اِیَّاكَ  
نَعْبُدُ وَاِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ قَدْتَرِی مَا اَنَا فِیْهِ فَفَرِّجْ عَنِّیْ یَا كَرِیْمِ .

برخلاف انتظار دیدم که اهل بیت حقیر به طرفی که راه کوفه می رود متوجه  
شده و می گوید : این میرزاعلی نیست ؟ !

بنده نگاهی کردم دیدم از او خبری نیست و گفتم : من که چیزی مشاهده نمی  
کنم ، بریم نزدیک ، کمی پیش رفتیم اما از میرزاعلی اثری نبود ، مجدداً خانواده  
اشاره کرده گفت : این میرزاعلی نیست ؟ ! به همین ترتیب با راهنمایی غیبی  
رفتیم نزدیک ، تارسیدیم به حدود موقف (ایستگاه) اتوبوسهای مسجد کوفه .

مشاهده کردم یک نفر به فروختن پرتقال مشغول است و با آنکه می دانستم  
ماشین های کربلای معلی همان وسط میدان است ، اما به زبانم جاری شد و از  
او سؤال کردم ماشین های کربلا کجا هستند ؟

اشاره کرد به یک گاراژ قدیمی که قبل از دائر شدن خط واحد دولتی مورد  
استفاده بود و گفت : مگر نمی شنوی صدا میزند کربلا کربلا . ما که مانند غریق  
بودیم ، به همان طرف که او اشاره کرد رفتیم . در انتهای آن گاراژ قدیمی جنب  
یک قهوه خانه ، مشاهده نمودیم که اثاثیه در کناری است و بچه شیرخواره که  
خیلی نگران حال او بودیم در خواب است و میرزاعلی نیز کنار اثاثیه با خیال  
راحت لمیده و مشغول پیچیدن جیگاره (سیگار) است و دستور چای داده است .

(55)

## ماء مور سنگدل

ایشان فرمودند :

چندی قبل یکی از مدرسین محترم حوزه علمیه قم به بنده کمترین برخورد کرد و گفت : فلان دانشمند عراقی به مناسبتی از تو یاد کرد ، چه آشنائی با او داری ؟

گفتم : مدتی در اسلامبول و در قطار بین راه آنجا به حلب (شهر بزرگی است در سوریه ) در خدمتشان بودیم .

مدرس محترم اضافه کرد :

آن استاد عراقی سرگذشت بر خورد بد درجه دار سوری را در گمرک حلب با زوآر ایرانی نقل کرد که به هیچ وجه به ایرانیها ویزا نمی داد (گویا با دوستان اهل بیت خصومت داشت ) . آنچه صحبت کردیم بر خشونت او افزوده شد تا اینکه فلانی (حقیر) از اطاق بیرون رفت و پس از مدت کوتاهی برگشت به اطاق . همان مرد بد اخلاق بدون معطلی گذرنامه ها را گرفت ، مهر ویزا را زد و تحویل داد .

با تعجب از اطاق خارج شده از فلانی (بنده کمترین ) سؤال کردم چه کردی ؟ گفت : زیر آسمان سر را برهنه کرده و این دعا را خواندم :

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ اَللّٰهُمَّ اِیَّاكَ نَعْبُدُ  
و اِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ قَدَرَتْرِی مَا اَنَا فِیْهِ فَفَرِّجْ عَنِّیْ یَا كَرِیْمُ

خداوند متعال لطف فرموده تحولی در قلب این سنگدل پیدا شد و ویزا را داد

(56)

## ناراحتی فکری

جناب سلاله سادات حضرت آقای آسید حسن صفی فرمودند :  
ناپاکی ، برگه ای از برادر عزیز و بسیار محترم و مؤمن ما (آقای شکرالله ریاضی) که سالهای زیادی برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی در ایران فعالیت داشت و انشاء الله تعالی پرچم اسلام در جهان با فعالیت این اشخاص به احتزاز در آید بدست آورده بود و زندگی را برای ایشان تنگ کرده بود و هر لحظه احتمال این بود که با مراجعه به ساواک لعنتی ، موجبات گرفتاری معظم له را بوجود آورد .

آقای ریاضی حفظه الله فرمودند :

وقتی کار بر من خیلی سخت شد ، نزد مرحوم حاج اسماعیل آقای عدالت پیشه که از شاگردان شیخ رجبعلی خیاط ، صاحب مقامات عالیه و آیه الله آقای حاج شیخ محمد تقی آملی بود رفتم و ماجرا را برای ایشان نقل کردم . آن مرحوم این دعا را به بنده یادآور شد ، صفحه 17 هدیه احمدیه آدم منزل زیر آسمان با چشمی گریان ( و ما یوس از غیر خداوند) خواندم :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوِّجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ عَلَيَّ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ فَذَلِّلْ لِي صُعُوبَتِهَا وَحُزُونَهَا وَكَفِنِي شَرَّهَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الْكَافِي الْمُعَافِي وَالْغَالِبُ الْقَاهِرُ الْقَادِرُ .

تا دعا تمام شد گویا چنین شخصی نیست و منم از آن ناراحتی فکری خلاص شدم و دیگر آن شخص هم به سراغ ما نیامد و بدین ترتیب به برکت این دعا که منسوب به امیر المؤمنین علیه السلام است از آن ناراحتی نجات یافتیم .<sup>(57)</sup>

## دزد نادم

ابوبکر بن نوح می گوید : پدرم نقل کرد :

دوستی در نهروان داشتم که یک روز برایم تعریف کرد که من عادت داشتم هر شب آیه الکرسی را می خواندم و بر در دکان و مغازه ام می دمیدم و با خیال راحت به منزل می رفتم .

یک شب یادم رفت آیه الکرسی را به مغازه بخوانم ، و به خانه رفتم . وقت خواب یادم آمد ، از همان جا خواندم و به طرف مغازه ام دمیدم .

فردا صبح که به مغازه آمدم و در باز کردم ، دیدم دزدی در مغازه آمده و هر چه در آنجا بوده جمع کرده ، بعد متوجه مردی شدم که در آنجا نشسته . گفتم

: تو که هستی و در اینجا چه کار داری ؟گفت : داد نزن من چیزی از تو نبرده ام ، نگاه کن تمام متاع تو موجود است ، من اینها را بستم و همینکه خواستم بردارم و ببرم در مغازه را پیدا نمی کردم ، تا اثاثها را زمین می گذاشتم در را نشان می کردم باز تا می خواستم ببرم دیوار می شد . خلاصه شب را تا صبح به این بلا بسر بردم تا اینکه تو در را باز کردی ، حالا اگر می توانی مرا عفو کن ، زیرا من توبه کردم و چیزی هم از تو نبرده ام .

من هم دست از او برداشتم و خدا را شکر کردم .<sup>(58)</sup>

## پی نوشتها

- 1- داستانهایی از صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : ص 21.
- 2- داستانهای بسم الله الرحمن الرحيم : ص 22.
- 3- داستانهای بسم الله الرحمن الرحيم : ص 69.
- 4- داستانهای سوره حمد: ص 81.
- 5- بحارالانوار: ج 86، ص 19، ح 18، باب 38. چاپ تهران
- 6- بحار: ج 86، ص 49، ح 54، باب 38.
- 7- بحار: ج 86، ص 7، ح 7، باب 38.
- 8- بحار: ج 57، ص 199، ح 145، باب 1.
- 9- کلیات مفاتیح الجنان : (انتشارات جهان ) ص 102.
- 10- بحار: ج 72، ص 47، ح 58، باب 94.
- 11- کلیات مفاتیح الجنان : (انتشارات جهان ) ص 112.
- 12- همان : 125.

13- بحار: ج 86، ص 257، ح 127! باب 45 .

14- مفاتیح : 244.

15- مفاتیح الجنان : 251

16- همان مدرک 257

17- مفاتیح 263.

18- همان مدرک 264

19- ظاهراً این عمل بعد از سلام نماز می باشد.

20- مدرک قبل : 272

21- همان

275 :

22- همان 323

23- مدرک قبل : ص 335.

24- همان : 344.

25- همان : ص 354.

26- همان : ص 373.

27- همان 380

28- همان 440

29- همان : ص 467.

30- همان : ص 635.

31- همان 665

32- داروخانه معنوی 81

33- کلیات مجمع الدعوات کبیر: ص 8.

34- مجمع الدعوات کبیر ص 10.

35- مجمع الدعوات کبیر 18

36- همان مدرک : 30.

37- مجمع الدعوات : 64.

38- همان مدرک : 68.

- 39- حاشیه مجمع الدعوات کبیر: 49.
- 40- ختوم و اذکار شفا و درمان : 94.
- 41- همان مدرک : 138.
- 42- ختوم و اذکار شفا و درمان : 139.
- 43- همان مدرک : 228.
- 44- همان مدرک : 228.
- 45- ختوم و اذکار شفاء و درمان : 331.
- 46- مفاتیح الحاجات : 92.
- 47- همان مدرک : 99.
- 48- همان مدرک : 100 .
- 49- همان مدرک : 243.
- 50- همان مدرک : 262.
- 51- مفاتیح 618.
- 52- توسلات : 36 نقل از وافی ج 3، ص 86.

53- شرح فضائل صلوات : ص 103 .

54- همان 104.

55- داستانهای جالب : ص 22.

56- همان : 24.

57- همان : 30.

58- شفا و درمان با قرآن : 50.

## فهرست مطالب

2	مقدمه .....
4	دعا و نیایش با پرورگار : .....
7	شیرینی غسل .....
9	غذای مسموم در آنها اثر نکرد .....
10	گفتگوی دو شیطان در باره بسم الله .....
11	شفای امراض .....
13	داروی ناتوانی در دنیا و آخرت .....
15	داروی بیماری و تنگ دستی .....
16	مونس .....
18	کار بسته شده .....
19	دعای خیر دنیا و آخرت .....
20	پریشانی و مریضی .....
21	داروی علیلی .....
22	بنده در سجده .....
23	بیماری طولانی .....
24	به تعداد رگهای بدنت .....
25	فضیلت‌های این نماز .....
27	رحم بر مرده ها .....
29	حدیث نفس .....
30	وسوسه .....

31	قرض و ستم
34	محنت و سختی
37	رنگِ پریده
38	مرض صداع
39	دلِ دَرَد
40	سفیدی چشم
42	درد چشم
44	رزق
45	درد زانو
46	هنگام خواب
48	خانه نمی سوزد
49	پیروزی بر دشمنان
50	بیماری شدید
51	مرض صعب العلاج
52	جوش و دمل
53	خیال های باطل
54	اضطراب و ترس
55	جنُ زدگی
56	حرز
57	اسم اعظم
58	آیه الکرسی
59	زیاد خواندن آیه الکرسی

60	جهت فقر
61	قل هو الله . . .
62	درد مفاصل
63	پرنده کور
64	دعای قرض
65	طلبکارها
66	ارواح
67	شرّ شیطان
68	جهت زنده شدن قلب
69	اذان در خانه
70	دارالشفاء
71	شفای بچه
72	امداد غیبی
74	ماء مور سنگدل
76	ناراحتی فکری
77	دزد نادم
78	پی نوشتها
83	فهرست مطالب